

بیست و هفت

27th Tehran
International
Book Fair

نشریه اطلاع رسانی
بیست و هفتمین
نمایشگاه بین‌المللی
کتاب تهران



بخورید و بیاشامید و بخوانید

خب... به سلامتی و میمنت، درهای نمایشگاه کتاب هم از امروز باز شد و یک فرصت خوب فراهم کرد تا هر کس که دوستدار کتاب و کتابخوانی است، بشتابد. این یعنی یک اتفاق خوب و دلچسب که ۱۰ روز به همه چیز و همه جا رنگ کتاب می‌زند. اما از این هم نمی‌شود غافل شد که هر جا یک حرکت به‌درد بخور و جذاب راه می‌افتد، همیشه یک عده غُر زَن حرفه‌ای هم پیدا می‌شوند که با ذره‌بین بدبینی راه می‌افتند دنبال کم و کاستی‌ها و عیب و ایرادهایش. نمونه‌اش همین نمایشگاه کتاب که هر سال وقتی در اردیبهشت ماه فصل میوه‌چینی‌اش می‌رسد، آنها هم منفی‌بافی‌ها و گله‌گذاری‌هایشان را شروع می‌کنند. مثلاً شروع می‌کنند به گفتن این حرف‌ها که آخر این چه نمایشگاهی است که جماعت می‌آیند تا در آن غذاهای حاضر آمده و سیب‌زمینی سرخ کرده بخورند، عده‌ای هم با دوست و رفیق و خانواده می‌آیند برای گشت و گذار و وقت‌گذرانی.

به این بخش گشت و گذارهای خانوادگی در نمایشگاه کتاب به موقعش می‌پردازیم، اما فعلاً برویم سر وقت غذا خوردن در نمایشگاه کتاب. اولین سؤال خطاب به ایرادگیرندگان این است: چه اشکالی دارد؟ یعنی چه اشکالی دارد که موقع دیدن و خریدن کتاب، خستگی هم در کرد و در عین حال با خوردن سیب‌زمینی سرخ کرده یا هر غذایی دیگر، نگذاشت که ضعف و گرسنگی، آدم را از پا در بیاورد؟ اصلاً همه جای دنیا نمایشگاه‌های کتاب فضاهای راحت و خودمانی و مفرحی هستند که مردم را تشویق می‌کنند به حضور. این است که باید به آن منتقدان آمیختن کتاب و خوراکی گفت، چه کسی و با چه قانونی گفته است که برای آمدن به نمایشگاه کتاب، حتماً باید عبوس و جدی و اتو کشیده بود؟ چه کسی گفته که چون کتاب با اندیشه و فکر و تامل سر و کار دارد، برای دیدن و انتخاب کردن و خریدنش هم باید خیلی اهل تامل و جدیت بود؟ اصلاً چنین چیزی نیست؛

می‌شود بین همین کار جدی - یعنی خریدن کتاب - اندکی نشست و نفسی تازه کرد و بستنی و تنقلات و غذا خورد و از حضور در نمایشگاه لذت برد. به همین سادگی. اصلاً یک پیشنهادی؛ اگر اهل فست‌فود و این غذاهای حاضر آمده هم نیستید یا نمی‌خواهید خیلی پول بابت این چیزها بدهید، توی خانه یک غذای ساندویچی مثلاً کنتل درست کنید؛ بعد آماده‌اش کنید و اگر با خانواده می‌آیید که به تعداد، اگر هم خودتان تکی هستید، به اندازه‌ی خودتان، بردارید و بشتابید به سمت نمایشگاه. بعد هم هر جا گرسنه و تشنه شدید، بی‌اعتنا به این آدم‌های غُر زَن - که می‌خواهند بی‌دلیل به هر چیزی یک رنگ و لعاب جدی بزنند - غذایتان را نوش جان کنید تا برای یک گشت و گذار طولانی در نمایشگاه کتاب، قوت لازم را داشته باشید. این طوری فکر تان هم بهتر کار می‌کند و می‌توانید انتخاب‌های بهتری هم داشته باشید. از قدیم گفته‌اند که عقل سالم در بدن سالم است. این بدن سالم هم غذا می‌خواهد. اصلاً مگر باشکم گرسنه می‌شود فکر کرد و کتاب خواند؟

گپی با بابک حمیدیان؛ کتابفروشی که سیمرغ بلورین گرفت

می‌خواهم لای کتاب‌ها گم شوم

بله، من به واسطه پدرم با فرهنگ کتابخوانی و این تئوری بزرگ شدم که مگر می‌شود وقت برای کتاب خواندن وجود نداشته باشد؟ اصلاً حضور کتابخانه در هر خانه‌ای تولید فرهنگ می‌کند. این همان چیزی است که در خانه‌های ما کم است. مردم ما ترجیح می‌دهند گل مصنوعی و یک بوفه برای اشیاء قدیمی و... داشته باشند، اما کتابخانه را در خانه جای ندهند.

■ گویا یک کتابخانه خیلی بزرگ داری و یادم می‌آید جایی گفته بودی یکی از کارهایی که بلدی انجام بدهی کتاب خواندن است. این کتاب‌ها چقدر در تکامل زندگی تو نقش داشته‌اند؟ چقدر در لحظات سختی با تو مهربان بوده‌اند؟

واقعیت این است که وقتی تو عادت به کتاب خواندن و فرهنگ کتابخوانی داشته باشی، از طریق این فرهنگ حواشی مطلوب هم آرام آرام در زندگی تو رشد می‌کند. یکی از این حواشی نت‌برداری‌هایی است که از کتاب‌ها انجام می‌دهم. این نوشته‌های کوچک بر در و دیوار آشپزخانه و اتاق و روی ورق‌های تقویم، همواره دارند جریان زندگی را برای من سهیل‌تر و زیباتر می‌کنند. هر کتابی که می‌خوانم با خودش تحول لازم را می‌آورد؛ حالا ممکن این تأثیرات سریع اتفاق بیفتد یا در من ته‌نشین شود و بتوانم در آینده جملاتی از آن را به یاد بیاورم که حالم را خوب کند.

■ بعد از بازی در فیلم «قدمگاه» و «طبل بزرگ زیر پای چپ» حدود یک سال در یک کتابفروشی کار کردی. باید تجربه لذت بخشی بوده باشد؟

خیلی زیاد. در آن دوران احساس کردم شاید جذابیت‌های دنیای بازیگری مرا مرعوب خود کند، به همین خاطر از یکی از دوستان کتابفروشم درخواست کردم در طبقه دوم کتابفروشی‌اش فضایی به من بدهد، با حقوقی که نسبت به دستمزدهای سینما بسیار اندک بود. می‌خواستم روزها را بین کتاب‌ها بگذرانم و یاد بگیرم برای معرفی یک کتاب چگونه باید با مخاطب رفتار کنم. می‌خواستم با آدم‌هایی آشنا شوم که عادت گشت و گذار در کتابفروشی‌ها را دارند. به شدت دوران باشکوهی بود و یکی از آرزوهای فعلی من این است که اگر بتوانم دوباره شرایطی برای این کار فراهم کنم. معتقدم ما به عنوان یک انسان منفرد در جهان وظیفی در قبال زندگی خود داریم که یکی از آنها بهبود و سامان بخشیدن زندگی و زیباتر کردن آن است. راه زیباتر کردن زندگی هم کتاب خواندن و غرق شدن در دنیای حافظ و مولانا و خیام است.

■ اگر مجبور باشی از آن کتابخانه بزرگ، تنها ۵ کتاب را انتخاب کنی، کدام‌ها هستند؟

خیلی مشکل است. همیشه آرزو داشته‌ام وقتی فرصت زندگی از من گرفته می‌شود و قرار است به دنیای دیگری رجعت کنم، بتوانم کتابخانه‌ام را هم با خودم ببرم. سرمایه زندگی من کتاب‌های من هستند که دوست دارم همه جای دنیا آنها را با خودم حمل کنم. پس بگذار از چند نویسنده نام ببرم که خواندن آثارشان یکی از جذابیت‌های زندگی من بوده است: فرانتس کافکا، فتودور داستایوسکی، میخائیل بولگاکف و رمان بزرگ او «مرشد و مارگریتا»، رومن گاری، ریچارد براتینگان که آثارش چقدر همیشه حال مرا خوب کرده است و خواندن شعر از جنس کهن، مثل مولانا و حافظ. از شعرای شعر نو هم سهراب سپهری و هوشنگ ابتهاج که به شدت روزگار را بر من هموار کرده است.

■ نمایشگاه کتاب هم می‌روی؟

بله. از زمانی که یادم می‌آید دست در دست پدرم بارها در آن سالن‌ها گم و بلافاصله پیدا شدم، تا بعدها که توانستم تنها به نمایشگاه بروم و گم نشوم و امروز که همه تلاشم را می‌کنم تا لای کتاب‌ها و کلمات گم شوم.

امسال سیمرغ بلورینش را به خاطر رویاسازی به او دادند؛ به خاطر بازی در دو فیلم «چ» و «روز رستاخیز». اما او برای رسیدن به سیمرغ خرد و دانایی، از هفت خوان کتاب‌هایش می‌گذرد. کتاب‌هایی که بابک حمیدیان عاشقانه دوستشان دارد. او کتابخانه بزرگی هم دارد که شاید گنجینه آرزوهای اوست.

■ ■ ■

■ اعداد و ارقامی که هر سال درباره آمار سرانه مطالعه ایرانی‌ها اعلام می‌شود، همواره بر این نکته تأکید دارد که ما ایرانی‌ها کتاب نمی‌خوانیم. به عنوان یک هنرمند چه نگاهی به این وضعیت داری؟

به نظر من یکی از اصلی‌ترین دلایل این است که مردم فرصت کتاب خواندن را برای خودشان به وجود نمی‌آورند و ترجیح می‌دهند زمان‌شان را با روزمرگی‌ها سپری کنند، اما هرگز با خلوت کتاب کنار نیایند. در حالی که کتاب خواندن اصولاً یکی از مفیدترین، جذاب‌ترین و پرمهرترین عاداتی است که می‌تواند جزو عادات برتر انسانی ما باشد. عادت کردن به هر چیزی از کیفیت آن کم می‌کند، اما عادت به کتاب همواره ارزش آن را افزایش می‌دهد.

■ این مساله به وضعیت نشر ما هم مربوط است؟

نه. مردم ما کم کتاب می‌خوانند و این مساله هیچ ربطی به دنیای نشر ندارد. کار نشر کتاب در این سرزمین به شدت کار سخت و توانفرسایی است و بسیاری از انتشاراتی‌ها به سختی دارند کار تولید کتاب و در نهایت تولید فرهنگ را به شکل جامع انجام می‌دهند. آن چیزی که اتفاق نمی‌افتد، ایجاد بستری است به نام سفره شبانه یک خانواده که در واقع معلول اهمال پدر و مادرهاست.

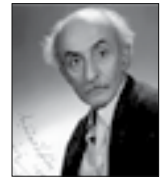
■ خود تو عادت کتاب خواندن را از خانواده یاد گرفتی؟



■ طرح: کامبیز درم بخش | اختصاصی «بیست و هفت»

امروز در نمایشگاه

بنا داریم که هر روز به باری حق، اخبار و اتفاقات نمایشگاه کتاب را گلچین کنیم تا شما هم علایق و سلاقیق تان را سبک و سنگین کنید و اگر برنامه و نشست به مزاج و مذاق تان خوش نشست، راه بیفتید به سمت نمایشگاه. اولین خبر، مربوط است به رونمایی از کتاب اشعار نیمایوشیچ به زبان انگلیسی. این برنامه، امروز چهارشنبه از ساعت ۱۳/۴۵ در بخش بین الملل نمایشگاه برگزار می شود. لیلا رسولی مترجم اشعار پدر شعر نو به انگلیسی، بابک بوبان ویراستار کتاب و یاسمن سنگی در این رونمایی حضور دارند.



شبکه های اجتماعی در ایران بیشتر جنبه فانتری و تفریحی پیدا کرده اند، اما در این جاقصد نقد این وضعیت را نداریم و می خواهیم بگویم همین امروز ساعت ۱۴ نشستی تخصصی با عنوان «کامیابی و ناکامی های شبکه های اجتماعی علمی در ایران» شکل می گیرد. دکتر محمد حسن زاده، علی اکبر اکبری تبار و مرتضی نبی میبدی سخنرانان این نشست هستند که جزو برنامه های متعدد و متنوع سرای اهل قلم محسوب می شود.



زبان شیرین فارسی محدود و منحصر به جغرافیای مانیست و عرصه هایی فراتر از مرزها را هم در نور دیده است. به همین خاطر هم امروز جلسه ای با عنوان «زبان و ادبیات فارسی در عرصه بین الملل» برگزار می شود تا مشخص کند که ما در این زمینه چه دستاوردهایی داشته ایم. سید محمد رضا دربندی و دکتر مراد صحرایی از ساعت ۱۱/۳۰ تا ۱۲/۴۵ در این نشست سخنرانی می کنند.



اگر به مسائل و اتفاقات فلسطین علاقه مند هستید، شما را دعوت می کنیم به نشستی تحت عنوان «فلسطین؛ ۱۹۴۸: اشغال یا استقلال». این برنامه با حضور امیر حسین بابالار، محمد تقی تقی پور، دکتر نجفقلی حبیبی و علیرضا سلطان شاهی از ساعت ۱۳/۳۰ شکل می گیرد.



کپی رایت از آن مسائل و موضوعات بحث برانگیز سالیان اخیر بوده است. به همین دلیل، امروز در نمایشگاه، نشستی به این موضوع مهم اختصاص یافته است. «کپی رایت و تاثیر آن در تالیف و ترجمه» عنوان این نشست است که از ساعت ۱۵ آغاز خواهد شد. چند ناشر و نویسنده و مترجم هم در آن حضور دارند؛ از جمله محمود آموزگار، علیرضا ربانی، مهشید میر معزی، عرفان نظرا هاری و جعفر همایی.



یکی دیگر از برنامه های امروز سرای اهل قلم، نشست تخصصی «تاریخ اطلاعات، حوزه ای نوظهور در علم اطلاعات و دانش شناسی» است. برای این نشست، از ساعت ۱۶ دکتر ابراهیم افشار، محمد خندان، سیامک محبوب و دکتر حسن نمک دوست تهرانی گرد هم می آیند.



موضوع جالب و جذاب دیگری که همین امروز در نمایشگاه کتاب به بحث و بررسی گذاشته می شود، «آزاد اندیشی در علوم انسانی» است. این نشست از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۷/۴۵ در سرای اهل قلم برگزار می شود. حجت الاسلام والمسلمین رضا غلامی و دکتر مسعود معینی پور هم سخنرانان آن هستند.



آخرین نشست امروز در سرای اهل قلم، باز هم به علوم انسانی اختصاص دارد، با این توضیح که به موضوع ترجمه در این عرصه می پردازد. دکتر نعمت الله فاضلی، دکتر فرزانه فرحزاد، دکتر محمدا مین قانع راد و دکتر حسین ملانظر در نشست «ترجمه و علوم انسانی» به سخنرانی می پردازند. این نشست از ساعت ۱۸ تا ۱۹/۳۰ به همت موسسه خانه کتاب برگزار می شود.



نسبت ما و جهانیان چگونه تعریف می شود و برای جهانی شدن از چه مسیر هایی می توانیم اقدام کنیم؟ برای این که به پاسخی در مورد این سوال برسید، امروز در سرای بین الملل نمایشگاه یک نشست برای شما تدارک دیده شده است. «سامانه های آموزش تخصصی، راهکاری نوین در راستای جهانی شدن، سیانت» (سامانه یادگیری الکترونیکی نرم افزار های تخصصی) عنوان این نشست است که از ساعت ۱۵ آغاز می شود. سید ابراهیم عمرانی و دکتر داریوش علی محمدی از ساعت ۱۶ درباره این موضوع به بحث و گفتگو با حاضران می پردازند.



یاد بعضی نفرات

ستون «یاد بعضی نفرات» هر روز به معرفی یکی از بزرگان عرصه فرهنگ می پردازد که امسال، نمایشگاه کتاب رانمی بینند



عبدالمحمد آیتی

پیرمرد عاشق بود؛ عاشق کلمات، خاصه کلماتی که رنگ و بویی آسمانی داشتند؛ سخن از عبدالمحمد آیتی است که در سال های ابتدایی این قرن به دنیا آمد و در سال های پایانی اش آن را ترک کرد. در میان این عمر بلند، خیلی اتفاقات افتاد. اما از ۱۳۰۵ تا ۱۳۹۲ که سال های حیات استاد آیتی بود، یک اتفاق از همه پررنگ تر بود و آن هم بازگردان قرآن مجید بود به دست او. ترجمه آیتی از قرآن به سال ۱۳۶۷ منتشر شد و به واسطه فارسی پاکیزه و امروزشش بسیار مورد اقبال و استقبال قرار گرفت و بارها به چاپ دوباره رسید.

به جز ترجمه قرآن مجید، انبوهی کار دیگر در کارنامه پر بار استاد به ثبت رسیده است، اما بی تردید در این مجال مختصر حتی نمی توان فهرست کاملی از تالیفات و ترجمه های این مترجم و پژوهشگر و ادیب به دست داد. شاید تنها بتوان گفت که پیرمرد، با آن ایر سقیدی که بر سر و رویش نشسته بود، سال ها با قلمش باران رحمت بر سرزمین ادبیات و عرفان ما باراند. نمونه آشکار دیگرش ترجمه ای است که او از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه به یادگار گذاشته است. باز گردان او از نهج البلاغه بعد از ترجمه ای که همشهری اش - زنده یاد دکتر سید جعفر شهیدی - انجام داده، جزو ترجمه های ارجمند و پر قدری است که از این کتاب شریف به یادگار مانده است. گفتیم همشهری و حالا باید بگویم که استاد آیتی همچون زنده یادان دکتر عبدالحسین زرین کوب و دکتر جعفر شهیدی، زاده بر وجود بود.

چه حیف و افسوس که نه همه آثار و نه همه زندگانی بلند و پر معنای آیتی را نمی توان در این یادداشت اندک گنجاند. اما از میان همه فراز و نشیب های زندگی اش یکی هم اینکه در سال های پیش از انقلاب به دلیل مخالفت با رژیم پهلوی از آموزش و پرورش اخراج شد و سال ها در میدان امام حسین (ع) به فروش بلیت اتوبوس پرداخت.

اما اگر بخواهیم عجالتاً و شتاب زده بخشی از یادگار های ماندگار استاد را روایت کنیم، باید حتماً به شرح و ترجمه «معلقات سبع» اشاره کنیم و بعد تحقیقات گسترده آیتی درباره شعر نظامی گنجوی و نیمایوشیچ، همچنین پژوهش ها و ترجمه هایش در زمینه فلسفه اسلامی و شعر عرب و...

دیگر اینکه استاد از سال ۱۳۷۰ به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد و تا آخرین روزی که نقطه پایان بر زندگی اش گذاشته شد، این مسئولیت را به عهده داشت، یعنی در روز بیستم شهریور ماه ۱۳۹۲.

شاید توصیف دکتر مهدی محقق در مراسم ترحیم استاد آیتی تا حدودی اهمیت و عظمت او را نشان دهد: ایشان در شعر عرب و فارسی، ادبیات جدید و قدیم و همچنین در تاریخ صاحب نظر بود. او به تمام معنا یک عالم واقعی بود و ما در فرهنگستان زبان و ادب فارسی همواره از محضر پرفیض استفاده می کردیم، با وجود این به تمامی قدر او دانسته نشد.

بیست و هفت

نشریه اطلاع رسانی بیست و هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

- زیر نظر: کمیته روابط عمومی و اطلاع رسانی
- سردبیر: محسن فرجی
- تحریریه: آرزو شهبازی، یاسر سماوات، مهرداد فارسی
- امور هنری: محمد مهدی اشرف سمنانی